

## معاینه محل (۹):

## محل جنایت و مسائل مرتبط با آن (۲)

دکتر علیرضا کاهانی

متخصص پزشکی قانونی - مدیر امور پژوهش‌های علمی و تخصصی سازمان پزشکی قانونی کشور

حمیدرضا گودرزی

مستشار اداره حقوقی (بازپرس سابق ویژه قتل عمد)

## کاوش برای بقایای انسانی

بهداشت و سلامت تیم تحقیقاتی نباید نادیده انگاشته شود.

پرسنل بایستی به خوبی محافظت شوند؛ به ویژه اگر تحقیق محلی تحت شرایط پرخطر صورت گیرد.

در تحقیقات جنائی، موضوع کشف جسد، رکن اصلی پرونده را تشکیل می‌دهد. اعتراف متهم به انجام یک جنایت با تشریح جزئیات آن، شکایت ورثه و مدعیان امر هر چقدر دارای اهمیت قانونی باشد، به خودی خود نمی‌تواند قاطع امر باشد. هرگاه متهم به قتل اعتراف کند یا مدارک، اسناد، قرائن و شواهدی علیه وی برای ثبوت جنایت بدست آید، تا زمانی که جسدی کشف نشده باشد، خطر به اشتباه افتادن، قضات را تهدید می‌کند. موضوع جستجو برای یافتن اجساد یا بقایای آنان اساساً در شرایط زیر مطرح می‌گردد:

۱- وقتی متهم به قتل اعتراف می‌کند و لازمه اثبات ادعای وی کشف جسد می‌باشد.

۲- وقتی متهم به قتل اعتراف نمی‌کند، اما قرائن و شواهدی بدست آمده که وقوع جنایت را ثابت می‌کند یا ظن بر ارتکاب آن را تقویت می‌کند؛ مثل لباسهای خون آلود، آلت قتاله، گواهان عینی.

۳- وقتی که فردی گم شده و فقدان وی شک برانگیز باشد. تجربه ثابت کرده است که هیچ وقت نباید بدون دسترسی به جسد در باب وقوع جنایت به طور قاطع اظهار نظر نمود؛ مگر آنکه دلایل قطعی و تردیدناپذیر به نفع آن وجود داشته باشد. بارها اتفاق افتاده است که ظن بی جا سبب صدور احکام

در نظر گرفتن اصول کلی جستجوی یک جسد، خصوصاً در موقعیتهایی که پنهان کردن جسد عمداً صورت گرفته، بسیار مفید است.

چنین وظیفه ای مستلزم بکارگیری تجهیزات و نیروی انسانی کافی است. نوع متخصصین، تجهیزات و وسائط نقلیه مورد استفاده، به محل کاوش، شرایط آب و هوایی (خاک، زمین یا آب) اینکه آیا شخص دفن شده یا در جایی پنهان شده است و مدت دفن بستگی دارد. در جستجوی یک گور خاص، عکس برداری هوایی به ویژه استفاده از یک دوربین حرارتی مادون قرمز نقش مهمی ایفا می‌کند. علاوه بر این روشهای ژئوفیزیکی که در حوزه باستان شناسی کاربرد دارند، نیز کاربردهای پزشک قانونی متعددی دارا می‌باشند.

استفاده از سگهای آزموده در بازرسی و کشف بقایای تازه مدفون شده در بسیاری مواقع مفید واقع می‌شود. در یک تحقیق در مورد گورهای پنهان و خلاف قانون برای کاوش محل دفن ۶ خوک از روشهای متعددی مثل عکسبرداری هوایی، مطالعات ژئوفیزیک (مغناطیس، رادار زمینی، گاز خاک، دستگاه کشف آهن)، زمین شناسی، گیاه شناسی، حشره شناسی، شبیه سازی حرارتی و سگهای شکاری کمک گرفته شد.

آنها را نشان می دهند. چاهها به علت خراب بودن و خاکی بودن جدار آن هر لحظه امکان ریزش دارد و ورود به چاه خطرناک می باشد. به ناچار با رعایت جهات فنی عده ای از افراد آتش نشانی با صرف هزینه زیادی عمل کاوش را انجام داده و نهایتاً چندین قطعه استخوان در سه یک چاه یافت می شود. استخوانها را به پزشکی قانونی حمل می کنند که اعلام می شود استخوان حیوان است.

چون متهمان مدعیند جسد در کیسه های پلاستیکی بوده، چند چاه دیگر را هم جستجو می کنند و یکی از کیسه های مورد ادعا پیدا می شود، اما بقایای استخوانی کشف نمی گردد. در این پرونده:

۱- راننده ای که جسد را حمل کرده شناسائی شده است.

۲- خودرویی که جسد را با آن برده اند یافت شده است.

۳- در عوض این کار به راننده زمین فروخته اند.

۴- امضاء ذیل قولنامه ها جعلی است.

۵- فرد موردنظر گم شده و اثری از او بدست نیامده است.

با این همه جستجو برای کشف بقایای جسد به نتیجه ای نرسیده است.

### انواع گورها

گورهای غیرقانونی را می توان از نظر پزشکی قانونی تحت عناوین زیر طبقه بندی نمود:

#### گور دسته جمعی

به دو صورت ممکن است دیده شود:

۱- افرادی که دفن شده اند، ممکن است قربانیان جنایات جنگی باشند و کشته شدگان نگون بخت معمولاً در همان زمان مدفون گردیده اند.

۲- قربانیان قتل که توسط یک یا چندین نفر به قتل رسیده اند و در یک زمان یا چندین بار در زمانهای مختلف در یک محل مدفون گردیده اند.

#### گور چندنفره

گوری که حاوی جسد چند تن نظیر افراد یک خانواده است.

#### گور یک نفره

معمول ترین وضعیتی است که اغلب پزشکان قانونی با آن مواجه می شوند.

خلاف واقع گردیده و افراد بی گناه به جرم ناکرده محکوم گشته اند.

مثال - مردی و زنی به خاطر بچه دار نشدن با هم اختلاف جدی دارند و کار به تقاضای طلاق هم کشیده شده است. چندین مرتبه زدو خورد کرده اند و مرد زن را شدیداً مضروب کرده و مدارکی وجود دارد که نشان می دهد وی را تهدید به قتل نیز نموده است. یک شب سروصدای زدو خورد آنها شنیده شد و بعد زن ناپدید گردید. برخی از گواهان نیز شهادت دادند که مرد در تاریکی کیسه هایی را با خود حمل می کند و (این امر را حمل شبانه جسد تلقی کرده اند) والدین زن به عنوان قتل عمدی از دامادشان شکایت می کنند. وی به اتهام جنایت تحت تعقیب قرار می گیرد. اما بعداً در اثر یک حادثه رانندگی نام زن در لیست مجروحین آورده می شود. معلوم می شود وی از خانه گریخته و در یک مسافرت داخلی تصادف کرده و جنایتی در کار نبوده است.

تلاش برای کشف جسد همیشه موفق نیست و بارها اتفاق افتاده که متهم محلی را به عنوان محل اخفاء یا دفن جسد معرفی نموده؛ اما در آنجا بقایای جسد بدست نیامده است. این احتمال وجود دارد که متهم محل دفن جسد را فراموش یا گم کرده باشد یا اینکه بخواهد مأمورین را گمراه نماید. در همین رهگذر ممکن است مأمورین صدها نقطه را برای یافتن جسدی حفر کرده و ناموفق بوده اند. گاه احتمال دارد متهم برای جستن راه فرار، آنها را به مکانهای پرت و پیچ در پیچ کوهستانی بکشانند. اما به هر حال در چنین مواردی عدم پذیرش ادعای متهم معقول نبوده و راهی جز حفر محلهای موردنظر وجود ندارد.

مثال - مردی دارای چندین قطعه زمین است که با قولنامه عادی به فروش رسیده اند. خریداران این املاک برای گرفتن سند مراجعه می کنند که فروشنده را نمی یابند و معلوم می شود امضاء وی در ذیل قولنامه جعلی است. جستجو برای یافتن او به نتیجه نمی رسد تا نهایتاً پسرانش اعتراف می کنند که وی را به قتل رسانده اند، اما برای تعیین محل دفن جسد طفره می روند. با توجه به اظهارات همسایه ها مأمورین به یک زیرزمین کوچک که در زیر آشپزخانه تعبیه شده، مشکوک می شوند و آنجا را حفاری می کنند؛ ولی چیزی بدست نمی آید. متهمان مدعی می شوند پس از قتل پدر جسدش را ۱۰ روز در آن انبار نگه داشته اند؛ اما بعداً آن را به بیابانهای اطراف شهر برده و در یک چاه انداخته اند.

مأمورین با متهمان به محل مورد ادعا می روند. در آنجا رشته های قدیمی قناتهای مختلف با صدها حلقه چاه وجود دارد و آنها چند تائی از

## بازیافت بقایای انسانی

### اجساد نیمه مدفون

بازیافت یک جسد نیمه پنهان همانند جسد کاملاً دفن شده صورت می‌گیرد. باتوجه به این که جسد ممکن است در مراحل پیشرفته فساد باشد، بایستی دقت شود بقایا به صورت کامل و بدون وارد آوردن صدمات پس از مرگ بازیافت شود.

### اجساد کاملاً مدفون

روند بازیافت یک جسد کاملاً مدفون شده اساساً شبیه به هم است، چه این بازیافت از یک گور غیرقانونی و پنهان انجام شود یا طی نیش قبر قانونی از گورستان.

بازیافت بایستی به آرامی و با دقت صورت گیرد و همیشه باید توجه شود به جمع آوری همه بقایا نیاز بوده و از بروز Artefact اجتناب شود. با در نظر گرفتن دقت و راحتی کار برخی ممکن است ترجیح دهند گودال و مجرائی موازی با محل دفن در کنار آن حفر نمایند تا منطبق بر محل دفن.

شرکت فعالانه، نظارت و توصیه های پزشکان قانونی اهمیت خاصی در چنین اقداماتی دارد. این پزشکان قانونی هستند که مسؤولیت تشخیص دلیل مرگ، ارزیابی هرگونه جنایت، راهنمایی در مورد تشخیص هویت و طول مدت به خاکسپاری را برعهده دارند.

زمین اطراف جسد ممکن است حقایق بسیاری را آشکار سازد و لذا باید به طور سیستماتیک حفر گردد. ابتدا باید خاک از تمامی اطراف محل دفن کنار زده شده و در کیسه هایی ریخته شود که برچسب محوطه بازیافت بر روی آن الصاق می شود. برای حفر بایستی یک بیلچه باغبانی از جنس استیل را مورد استفاده قرار داد تا بتوان با حداقل احتمال آسیب به اسلکت زیر زمین، خاک را کنار زد. در برخی مواقع می توان بیلچه نوک باریک کارگران ساختمانی را به هنگامی که برداشتن و کنارزدن ظریف خاک مدنظر است، مورد استفاده قرار داد. وسایل زنگ زده شده، صحنه را آلوده می سازند.

سپس خاک بایستی از توری با قطر سوراخهای دو سانتیمتر عبور داده شود. اگر این کار انجام نشود، خطر از دست رفتن استخوانهای کوچک دست، مچ دست، پا، استخوان لامی، دندان و عناصر دیگر نظیر گلوله یا جواهر، وجود دارد. جمع آوری نمونه خاک نه تنها از اطراف جسد یا مقبره، بلکه از سایر نقاط (مثلاً دیگر نقاط گورستان) خصوصاً جهت

بررسی سمومی نظیر آرسنیک حائز اهمیت است. Camps موردی را توصیف نموده که وجود آرسنیک در نمونه های خاک گورستان نتیجه آزمایش سم شناسی در بقایای جسد را از اعتبار ساقط نمود.

پس از هویدا شدن بقایای جسد، خاک از روی آن پاک شده سپس پوشش پلاستیکی یا تخته ای زیر آن قرار داده می شود تا به بیرون آوردن آن کمک کند. آلودگیهای بدن که ممکن است در عمل تشریح تداخل نمایند، بایستی در نظر گرفته شود.

بیرون آوردن جسد به صورت کامل ممکن است مشکل باشد، خصوصاً اگر جسد به طور کامل به اسکلت تبدیل شده باشد. بنابراین استخوانها را باید جمع آوری و در کیسه جداگانه ای قرار داده و برای سهولت تشخیص به آنها برچسب زده شود.

ممکن است وجود گیاهان جهت تخمین طول مدت به خاکسپاری مفید واقع شود؛ و همانطور که در مثال زیر دیده می شود، ریشه هائی که در بین اجزا، بدن رشد کرده اند می توانند بسیار ارزشمند باشند. در وحله اول باید از راهنمایی یک گیاه شناس بهره جست و اصولاً گیاه شناس باید حتی الامکان در محل حضور یابد.

مثال - اسکلت یک زن که لباس کامل در برداشت، در باغ پشتی یک ساختمان یک طبقه با کمک سگهای تربیت شده یافت گردید. متوفات در عمق ۳۰ سانتیمتری زیرزمین و در مجاورت یک درخت قدیمی کنار یک دیوار دفن شده بود. نزدیک محل یک کیسه پلاستیکی حاوی بقایای یک مرغ خانگی نیز پیدا شد. این پرندۀ کمتر از بقایای انسانی از هم پاشیده شده بود، زیرا در کیسه پلاستیکی قرار داشت. خاک با استفاده از یک بیلچه از جنس استیل کنار زده شده بود تا حداقل آسیب به بقایای اسکلت وارد آید.

هنگامیکه اسکلت آشکار گردید یک صفحه پلاستیکی به دقت زیر بقایا قرار داده شد و به طور کامل در زیر بدن اسکلت جای گرفت تا آنرا از خاک جدا سازد. شناسائی بقایا، یافتن علت مرگ و تخمین زدن طول مدت به خاک سپاری، ضروری بود. هویت شخص از طریق مقایسه با پرونده بالینی و گرافیهای بیمارستانی که بر روی جسد انجام شد، بدست آمد. او توسط ضربات چاقو به قتل رسیده بود و بریدگیهایی در لباس وی به چشم می خورد که بالطبع به دنده و جناغ سینه نیز صدماتی وارد گردیده بود. طول مدت تدفین از روی بررسی گیاهان روئیده (ریشه های بیرونی درخت پرتقال) در بین بقایای اسکلت تخمین زده شد. سه روش برای تاریخ گذاری مورد استفاده قرار گرفت که عبارت بودند از در نظر

بالا می فرستند. جمجمه و استخوانهای دست و پا را با حوصله جمع آوری می کنند.

جالب آن است که کنار جسد یک متر بنائی پیدا می شود (شغل ج بنائی است) و در همان جا یک سکه یافت می شود که به تاریخ ۱۳۳۵ منقوش است (یعنی ۳۵ سال قبل).

جسد به پزشکی قانونی ارسال و سؤال می شود که:

۱- جنسیت جسد چیست (زن است یا مرد)؟

۲- سن جسد در چه حدودی است؟

۳- آیا آثار ضرب و جرح دارد؟

۴- آیا علت مرگ معلوم است؟

۵- آیا زمان مرگ معلوم است؟

پزشکی قانونی و تشخیص هویت به کمک هم جریان را بررسی و اظهارنظر می کنند که وی مردی است یا سن بالاتر از ۳۰ سال و زمان مرگ و آثار ضرب و جرح وی معلوم نیست. با کشف جسد در کف مغازه از صاحب اولیه آن یعنی برادر زن مقتول تحقیق می شود. وی اعتراف می کند که ج را با تیبانی به عنوان کار بنائی و اینکه کف مغازه را کاشی کاری کند به مغازه آورده اند؛ وی در زیرزمین در حال بررسی محل بوده که با چاقو او را زده اند و جسدش را همان جا دفن کرده اند. بعداً برای انحراف افکار از شهرستان به اسم او نامه نوشته که وی مشغول کار است و به تهران نمی آید و اضافه کرده که مریض هشتم و قادر به حرکت نمی باشم. بدین ترتیب چنین تداعی کرده اند که وی در اثر بیماری فوت کرده و حتی برای یافتن او به آن شهر هم رفته اند و وی را نیافته اند.

گاه موضوع کشف جسد در چنین پرونده هائی منتفی است چرا که جسد را در رودخانه یا دریا انداخته یا به شکلی آن را سوزانده یا قطعه قطعه کرده اند و در آب انداخته اند. در چنین مواردی با توجه به اعتراف متهم یا شهادت شهود و ثبوت علمی و عملی آنکه امر کشف جسد محال است یا دلایلی وجود دارد که جسد امحاء شده و دیگر وجود ندارد؛ تصمیم قضائی مقتضی گرفته می شود.

مثال - متهم اعتراف می کند که دوستش را به بیابان کشانده و به قتل رسانده است وی محل دفن جسد را نیز نشان می دهد؛ اما محل مورد ادعای او جایی است که ماشینها و لودرها خاک برداری و حفاری کرده و خاک را در رودخانه ریخته اند؛ و بدین وسیله جسد از بین رفته است.

مثال - یک دختر ۱۴ ساله ربوده شده و توسط ناپدری اش به قتل رسیده بود. او جسد نادرستی خویش را در گورستان قدیمی متروکه رها کرده بود. نهایتاً جسد دختر به صورت ناقص، پراکنده و در حالیکه

گرفتن صدمات وارده بر ریشه، رشد ریشه و صدمات وارده بر شاخه ها. بر این اساس اسکلت برای ۵ سال در زیر خاک قرار داشت که تقریباً از همان زمانی بود که متوفات زنده دیده شده بود.

لباسهای باقی مانده بر تن جسد باید به دقت جمع آوری گردد چرا که اغلب اوقات مدرک فوق العاده با ارزشی در تعیین هویت جسد به شمار می رود. علاوه بر این برخی اوقات ممکن است (همانند مورد قبل) نشان ارزشمندی دال بر ضربات منجر به مرگ باشند، خصوصاً اگر بقایای جسد به اسکلت تبدیل شده و در نتیجه حمله حیوانات، کامل نباشد.

علیرغم شکست در جهت کشف جسد، گرچه در پرونده های کیفری با استفاده از قرائن و شواهد امکان صدور حکم وجود داشته باشد؛ اما جستجو برای یافتن بقایای اجساد در اکثر موارد منتهی به نتیجه شده و از این رهگذر نتایج غیرقابل انتظاری عاید می شود.

مثال - در فروردین سال ۱۳۷۰ و در ایام نوروز نامه ای به دادسرای عمومی تهران واصل می شود که نویسنده آن مدعی است که از وقوع جنایتی با خبر است. وی احضار شده و پس از پرس و جو اظهار می دارد شنیده که سالهای قبل مردی را کشته اند. ادعای وی به نظر صحت ندارد؛ اما جریان به صورت پرونده ای تشکیل و پیگیری می شود. مردی که احتمال قتل او می رود به نام (ج) است و تنها دارای یک پسر ۳۲ ساله می باشد. از وی هم تحقیق شده که اظهار می دارد پدرش برای کار بنائی به شهرستان دیگری رفته و بعداً مریض شده و فوت کرده است، نامه هایی هم از او به یادگار نگه داشته که ارائه می دهد. در نامه ها ج نوشته که مشغول کار است و بیمار شده و مسائلی از این قبیل.

اما در ادامه بررسیها چندین مطلب مشکوک هم به نظر می رسند، اول اینکه زن ج قبلاً تقاضای طلاق کرده اما به نتیجه ای نرسیده؛ دوم اینکه برادر زن ج با او اختلافات قدیمی داشته است و سوم اینکه مردی مصراً خواستگار زن بوده و حتی پس از ازدواج او نیز از این خواسته اش دست برداشته است.

برادر زن ج مغازه ای داشته که آن را واگذار کرده بود. علت فروش ناگهانی ملک معلوم نیست و این مسأله به عنوان یک نقطه مشکوک شناسائی می شود و دستور حفر محل جهت کاوش جسد احتمالی صادر می شود. مأمورین آتش نشانی و تشخیص هویت به کمک عده ای کارگر کف مغازه را حفر می کنند و به نتیجه ای نمی رسند. احتمال سقوط و ریزش کلی ملک وجود دارد. با این همه کاوش محل صحنه ادامه می یابد و تا عمق ۴ متری کف زیرزمین پیش می روند تا به یک آب انبار قدیمی می رسند. امیدها به یأس تبدیل شده که ناگهان بقایای اسکلتی بدست می آید. حفاری را متوقف کرده و جزء به جزء خاک را

عمل نبش قبر باید در محیطی انجام شود که امکان مزاحمت ناظرین ناخواسته وجود نداشته باشد. به این دلیل همچنین به علت اجتناب از مداخله در کار روزانه گورستان، نبش قبر معمولاً صبح زود و با برآمدن سپیده دم انجام می گیرد. علاوه بر این محل نبش قبر از سایر نقاط مجزا می گردد.

بدواً محل قبر تا عمق مناسبی حفر می شود تا تابوت آشکار گردد. سپس پلاک تابوت بایستی توسط کسی که جسد را وارد آن ساخته است شناسایی گردد. در این مرحله ممکن است به دلیل شک به مسمومیت به نمونه گیری از خاک تمامی اطراف تابوت و سایر نقاط گورستان نیاز باشد.

سپس تابوت را بلند کرده و پس از پاک کردن گل و خاک اضافی آن را به سردخانه منتقل می کنند. هنگام حمل تابوتی که اتصالاتش محکم نیست، باید دقت خاصی مبذول گردد. تمامی این مراحل کار باید صورتجلسه شده و در پرونده ثبت گردد. بدین ترتیب با حمل جسد از قبرستان به سردخانه برای تشریح، این مرحله از نبش قبر تکمیل می گردد.

نبش قبر یعنی خارج نمودن جسدی که طبق ترتیبات و تشریفات قانونی، در گورستان عمومی دفن شده است. این اقدام گاه به خاطر انجام امور غیرکیفری صورت می پذیرد؛ ولی بیشتر به علت شکایت و مسائل کیفری انجام می گیرد. در ذیل به چند نمونه از علل نبش قبر پرداخته می شود:

#### ۱- اشتباه در تشخیص هویت یا شک به زنده بودن متوفی

ممکن است فردی را اشتباهاً به جای فرد دیگری دفن کرده باشند و نام و مشخصات غیرواقعی بر آن درج شده باشد که در این صورت با نبش قبر و شناسایی و کشف هویت فرد متوفی نسبت به اصلاح هویت وی اقدام می گردد.

مثال - زنی در سال ۷۰ به دادسرای تهران مراجعه کرد. فرزند وی ۵ روز قبل به علت بیماری فوت کرده و در گورستان شهر دفن گردیده بود. اما زن مدعی بود که خواب می بینم او زنده است و هر شب تا صبح فریاد می زند مامان من زنده ام، مرا بیرون بیاور.

شوهرش مدعی بود که او در اثر این افکار مبتلا به ناراحتی روحی شده و چند مرتبه اقدام به خودکشی نموده و اگر جسد بچه را ببیند و از مرگ او اطمینان یابد، شاید آرام شود. با کسب اجازه از مقامات قانونی جسد نبش قبر شد و چون مرده بود مراتب صورت جلسه گردید و زن به آرامش رسید.

قسمتی از آن با رشد گیاهان و لایه های کپک پوشیده شده بود، یافت گردید. لباس او نیز کشف و توسط مادرش شناسائی گردید. روی لباس او دو نوع صدمه دیده می شد؛ پارگیهای ناشی از دندان حیوانات و پارگیهای خطی از نوع بوجود آمده توسط یک ابزار تیز نظیر لبه چاقو. پارگیها در سمت چپ و جلو لباس و آستین سمت چپ پراکنده بودند. ظاهراً او بارها توسط چاقو ضربه خورده و سعی کرده بود با کمک بازوی چپ خود، ضربات را دفع و از خود دفاع کند، بنابراین ضربات شدیدی به این ناحیه وارد آمده بود. در میان بقایای استخوانی، بخشی از یک دنده یافت شد که برش واضحی داشت و تأییدی بر این نکته بود که قفسه سینه آن دختر حداقل یکبار مورد اصابت یک ابزار تیز واقع شده است.

#### نبش قبر در موارد دفن قانونی

گاهی اوقات برای بررسی کامل موردی که در آن جسد به صورت قانونی دفن گردیده، نبش قبر ضرورت می یابد. نوعی از این حالت ممکن است مربوط به دفن یک متوفی با تشریفات معمولی به خاکسپاری باشد که فکر می شده مرگ او مشکوک نیست و بعدها در اثر دستیابی به اطلاعات بیشتر احتمال بروز قتل مطرح شده است.

علاوه بر مورد فوق که مستلزم بررسی جنائی است، نبش قبر در موارد ذیل نیز ضرورت می یابد:

\* مرافعات حقوقی

\* شناسائی

\* توسعه مجدد گورستان (بیشترین مورد)

\* دلایل باستانی و تاریخی

ذکر این نکته ضروری است که روند قانونی نبش قبر در برخی از موارد تفاوت زیادی در بین کشورها و حوزه های قضائی متخلف دارد و به بحث ما مربوط نمی شود.

برخلاف بازیافتهای انجام شده از گورهای غیرقانونی، علاوه بر روند مربوط به انجام تمامی ضروریات قانونی جهت نبش قبر، احتیاطهای خاصی لازم الاجرا است. مهمترین جنبه این است که جسد صحیحی نبش قبر گردد.

شناسایی صحیح گوری که متوفی موردنظر در آن قرار دارد، مسؤولیت مقامات قبرستان به شمار می رود. لذا سرپرست گورستان یا یک مقام جانشین او بایستی به هنگام نبش قبر در محل حضور یابد و محل دقیق گشایش قبر را مشخص کند.

## ۲- امور کیفری

در پاره ای از پرونده های کیفری در ارتباط با افرادی که فوت کرده و با تشخیص مرگ عادی و طبیعی از سوی پزشکان معالج برای آنها جواز دفن صادر شده است، بعدها اولیاء دم با مراجعه به مقامات قضائی ادعا می کنند وی را عمداً به قتل رسانده اند. در این صورت با نبش قبر و معاینه مجدد توسط پزشکان قانونی و برداشتن نمونه های سم شناسی و آسیب شناسی علت مرگ تعیین می گردد. در این قبیل موارد سؤال معمول قاضی از پزشکی قانونی قبل از اجازه نبش قبر آن است که: آیا با توجه به مدتی که از دفن گذشته معاینه مجدد میسر یا مفید می باشد؟ چون اگر مثلاً چندین ماه از دفن جسد گذشته باشد و نسوج نرم از بین رفته و جسد به صورت اسکلت درآمد باشد، دیگر معاینه آن برای تعیین آثار ضرب و جرح یا آزمایشات خون شناسی، سم شناسی و آسیب شناسی بی فایده خواهد بود. در چنین مواردی بهتر است ابتدا از پزشکی قانونی استعلام شده و در صورتی که نظر به مفید بودن نبش قبر و معاینه جسد برای کشف حقیقت باشد، نسبت به انجام این امر اقدام گردد.

مثال ... پیرمردی سابقه بیماری قلبی دارد و در یک مغازه ذغال فروشی کار می کند. یک روز بستگانش مراجعه نموده و متوجه فوت وی می شوند. حسب ظاهر وی در حین کار سقوط کرده، سرش به لبه میزی برخورد نموده و مختصر جراحی برداشته و سپس فوت می کند. در باب مرگ وی کسی شکایت ندارد و پزشک در شهرستان دوره افتاده به عنوان سکنه قلبی برای وی جواز دفن صادر می نماید.

ده سال بعد سارق مسلحی دستگیر می شود که مرتکب چندین فقره قتل و سرقتهای مسلحانه در تهران و شهرستانها شده است. از جمله وی اعتراف می کند که در آن شهر وارد مغازه پیرمرد ذغال فروش شده تا تریاکهای پنهان شده توسط وی را بگیرد. او مانع شده و وی با اسلحه کمربندی شلیک کرده و گلوله ای به مغز پیرمرد اصابت نموده و سپس متواری شده است.

با صدور برگ نیابت قضائی مأمورین عازم آن شهرستان شده و با اجازه مقامات قضائی جسد را نبش قبر نموده و آن را مجدداً معاینه می کنند. در جمجمه وی سوراخی یافت می شود که در آن آثار عبور یک گلوله کشف می شود.

مثال ... ادعا شد که با مردی مسن در آسایشگاه بدر رفتاری شده است. ظاهراً به سر او ضربه وارد شده یا او را هل داده بودند و سرش ضربه

دیده بود. شرایط دقیق مرگ وی کاملاً روشن نبود. متوفی حدود یک هفته قبل به دنبال سانحه ای فوت کرده که در همان زمان مطرح نگردیده بود. هیچ تشریحی صورت نگرفته و جسد در گورستان محلی دفن شده بود. ۱۸ ماه بعد نگرانی هایی در مورد سوءرفتار با سالخوردگانی که در آسایشگاهی خاص به سر می بردند، بوجود آمد و احساس شد که نبش قبر در مورد این مرگ که بلافاصله بعد از سانحه رخ داده بود، ضروری است.

یافته های تشریح تأیید کرد که هیچ صدمه ای به سر که باعث شکستگی جمجمه گردد یا هیچ شواهدی دال بر خونریزی مغزی وجود ندارد. باقی ارگانهای بدن هنوز در شرایط نسبتاً خوبی جهت بررسی آثار احتمالی ضربه قرار داشتند، ولی امکان بررسی قطعی بیماری طبیعی وجود نداشت.

## عوامل مؤثر بر گنبدیدگی جسد پس از دفن

عوامل گوناگونی بر جسد دفن شده اثر گذاشته و بسته به تأثیر این عوامل جسد نبش قبر شده در شرایط متفاوتی یافت می شود.

Mant این مسأله را در خلال بررسی جنایات جنگی مورد تحقیق و مطالعه قرار داد. او تعداد زیادی از اجساد نبش قبر شده از اردوگاههای نازی در اروپا را بررسی نمود و عوامل زیر توجه او را جلب نمود:

۱- وضعیت بدن قبل از مرگ. یک بدن لاغر در زمان مرگ، احتمالاً بسیار سریع متلاشی و تبدیل به اسکلت می شود، در حالی که یک بدن چاق که در همان زمان و تحت همان شرایط دفن شده باشد بسیار کمتر متلاشی می گردد.

۲- زمان صرف شده بین مرگ و تدفین و محیط قرار داشتن جسد در این فاصله.

Mant مشاهده کرد هنگامی که خدمه هواپیما که در فواصل مختلف زمانی بعد از مرگ با فواصل چند روز از یکدیگر پیدا و در گورستان دفن می شدند، اجسادی که زودتر دفن شده بودند، کمتر دچار گنبدیدگی شده بودند.

۳- تأثیر وجود تابوت. هنگام حضور یک جسد در درون تابوت فرآیند تبدیل شدن جسد به مایع بیشتر مشاهده می شد. از طرف دیگر چربی در مقایسه با اجساد دفن شده بدون تابوت بسیار کم بوده یا اصلاً وجود نداشت.

۴- لباس در هنگام دفن. حضور لباس یا پوشش دیگر عامل مهمی در کند نمودن متلاشی شدن جسد بود.

خاصی صورت می گیرد. در واقع تعداد اجساد یخی پیدا شده در طول سال ۱۹۹۱ بالغ بر شش عدد یعنی مساوی با تمامی اجساد یخی ۳۹ سال قبل بود.

۵\_ عمق دفن جسد در خاک. به طور کلی هر قدر عمق بیشتر باشد، جسد بهتر و به مدت طولانی تری خواهد ماند. در گورهای کم عمق، خاک به خوبی هوا می گیرد و جسد در معرض حشرات و حیوانات قرار دارد. علاوه بر این در یک گور کم عمق، جسد در ماههای تابستان گرم خواهد شد.

۶\_ نوع خاک. این عامل بسیار مورد تأکید قرار گرفته است. میزان متلاشی شدن در اجساد که از میان خاکهای مختلف نبش قبر شده اند تفاوت چندانی نداشته است. در عین حال در خاکی که خوب زه کشی شده بود جسد مومیائی گردیده بود.

۷\_ در معرض هوا بودن جسد پس از دفن. حضور مستمر هوا در گورهای کم عمق فساد را تسریع می کند.

۸\_ وارد ساختن چیزی در گور. ورود نی یا کاج در درون گور با تولید باکتری به عنوان عایق گرمایی عمل کرده، لایه ای از هوا ایجاد نموده و میزان متلاشی شدن جسد را افزایش می دهد.

### قرار گرفتن جسد در محیطهای سرد نظیر یخچال طبیعی

حرکت یخچال طبیعی از اهمیت خاصی برخوردار است. در چنین مواردی صحنه مرگ و محل کشف جسد بعد از مدت زمانی طولانی از هم فاصله می گیرند. اگر در چنین مواردی مدت زمان پس از مرگ و محل کشف معلوم باشد، می توان محل مرگ را مشخص نمود.

ماجرای کشف مرد یخی ۵۰۰۰ ساله<sup>۱</sup> در کوههای آلپ در مرز بین ایتالیا و اتریش در حالی که به میزان قابل توجهی سالم مانده بود، داستان جالب توجهی است.<sup>۲</sup> این مرد یخی در نوزدهم دسامبر ۱۹۹۱ توسط دو کوهنورد به نامهای اریکا و هلموت سایمون یافت گردید. آنها سر و شانه های او را که از یک یخچال طبیعی ساکن در یک آبراهه سنگی بیرون آمده بود، مشاهده کردند. یک نوار رطوبتی که بر روی پوست مرد یخی با حدود ۶ سانتیمتر پهنا بلافاصله در بالای سطح یخ قرار داشت، سطح ذوب یخ را در آن روز نشان می داد. سایش قابل توجهی در یخ بوجود آمده بود که تنها در شرایط آب و هوایی

۱- Neolithic

۲- spindler \_ 1994

## منابع

- 1\_ Parikh's Textbook of medical Jurisprudence and Toxicology 1992.
- 2\_ Interpretation of Blood stain Evidence at Crime Scenes 1998. Stuart M. James, William G. Echert.
- 3\_ Blood stain pattern Analysis Tom Bevel, Ross M. Gordner 1997.
- 4\_ Suspicious Death scene Investigation peter vanezis 1996.
- 5\_ Bernard Knight Forensic pathology second edition 1996.
- 6\_ Criminal Investigation charlis R. Swansen. 1995.
- 7\_ Forensic Science in Clinical Medicine, William R. Anderson, 1998.
- 8\_ Color of Atlas of Forensic Dentistry, D.K. Whittaker, D.G. Macdonald.
- 9\_ Tire imprint Evidence, Peter Mcdonald, 1993.
- 10\_ Camps F.E. (1962) Soil – some medico-legal aspects. In Soil. British Academy of Forensic Sciences, Teaching Symposium, no. 1. Sweet & Maxwell, London, pp. 47-51.
- 11\_ Cotton G.E., Aufderheide A.C. and Goldschmidt V.G. (1987) Preservation of human tissue immersed for five years in fresh water of known temperature. J. For. Sci. 32, 1125-1130.
- 12\_ Gormsen H. (1972) Why have victims of death from a cold environment undersred? Med. Sci. Law 12, 201-202.
- 13\_ Mann R.W., Bass W.M. and Meadow L. (1991) Time since death and decomposition of the human body; variables and observations in case and experimental field studies. J. For. Sci. 35, 103-111.
- 14\_ Mant A.K. (1953) Recent work on changes after death. In Modern Trends in Forensic Medicine. Simpson K. (ed). Butterworths, London.
- 15\_ spindler K. (1994) The Man in the Ice (English translation). Weidenfield and Nicholson, London.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی